

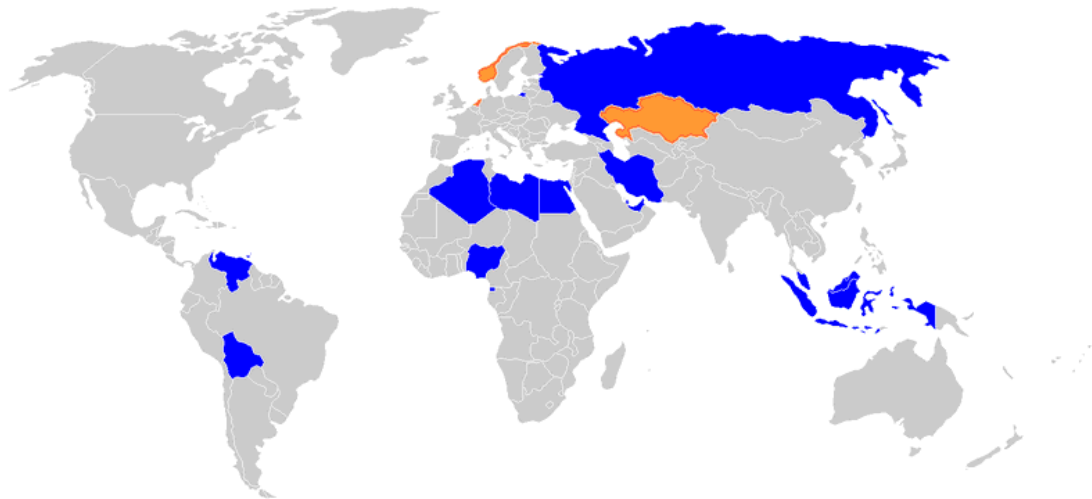
مجمع کشورهای صادرکننده گاز و منافع ملی ما

یکی از تحولات مهم جهان انرژی در سال گذشته میلادی، تشکیل هشتمین و نهمین اجلاس مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) بود. اجلاس ماه دسامبر سال ۲۰۰۹ مجمع مذکور، نهمین اجلاس وزارتی این مجمع که از سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز به کار کرده است، بود. زمان برگزاری کل اجلاسهای مجمع که تا کنون تشکیل شده است و محل برگزاری آنها به شرح زیر است:

زمان	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹ (ژوئن)	۲۰۰۹ (دسامبر)
محل	ایران	الجزایر	قطر	مصر	ترینیداد و توباگو	قطر	روسیه	قطر	قطر

جمهوری اسلامی ایران نقش محوری و کلیدی در تأسیس این مجمع داشته است بطوری که بنیان گذار آن تلقی می‌شود. در زمانی که ایران پیگیر تأسیس مجمع بود، شاید این تصور وجود داشت که کشورما عنقریب از وضعیت یک کشور واردکننده خالص گاز خارج گردیده و به یک صادرکننده عمده تبدیل خواهد شد. اما از آنجا که روند افزایش تقاضا و مصرف، از روند تولید و عرضه گاز طبیعی کشور، سریعتر بوده، این روندها مانع گردیده است که کشور به یک صادرکننده عمده گاز تبدیل شود. ما از همان زمان تا کنون، کماکان از کشور ترکمنستان گاز وارد می‌کنیم و به همان میزان یا قدری بیشتر یا کمتر به ترکیه گاز صادر می‌کنیم و طبعاً هنوز نتوانسته‌ایم جایگاه ممتازی را در تجارت جهانی و روابط بین‌المللی گاز، از آن خود سازیم.

شش اجلاس اولیه مجمع بدون داشتن اساسنامه و چارچوب روشنی برای عضویت، به کار خود ادامه داد و البته بنا هم بر همین بود که مجمع حرکتی آهسته و تکاملی را طی کند. اما در هفتمین اجلاس در مسکو، این مجمع صاحب اساسنامه گردید. در حال حاضر یازده کشور، عضو اصلی این مجمع و دو کشور نروژ و قزاقستان عضو ناظر آن هستند. در نقشه زیر اعضای اصلی با رنگ تیره و اعضای ناظر با رنگ روشن مشخص گردیده‌اند.



فعالیت‌ها و اجلاس‌های مجمع در بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ میلادی، قدری دچار وقفه شد و این بار نیز ایران بود که برای فعال کردن مجدد مجمع قدم به پیش گذاشت. در هفتمین اجلاس مجمع، همچنین شهر دوحه پایتخت قطر به عنوان محل قرارگیری دبیرخانه دائمی مجمع انتخاب شد و در هشتمین اجلاس نیز حامدالعطیه، وزیر نفت قطر، به‌عنوان رئیس اجلاس و شکیب‌خلیل، وزیر نفت الجزایر، به‌عنوان نایب رئیس انتخاب شدند و در جدیدترین اجلاس مجمع که در نهم دسامبر جاری مجدداً در دوحه قطر تشکیل شد، نامزد کشور روسیه به نام «لئونید بوخانوفسکی» به‌عنوان دبیرکل مجمع برای دوسال انتخاب گردید، در حالی که ایران نیز نامزدی را معرفی کرده بود.

گفته می‌شود که در اجلاس ماه ژوئن سال ۲۰۰۹، بین ایران و قطر توافق شده بوده است که ایران با قرارگیری دبیرخانه در شهر «دوحه»، پایتخت قطر، موافقت کند و متقابلاً قطر در اجلاس بعدی به کاندیدای ایرانی دبیرکلی رأی دهد. در آن زمان به سادگی قابل پیش‌بینی بود که در فاصله اجلاس مذکور و اجلاس بعدی (در ماه سپتامبر ۲۰۰۹) دولت در ایران تغییر می‌کند و ممکن است شرایط تغییر نماید و احیاناً این توافق مورد توجه قرار نگیرد و یا حتی اگر تغییر دولت هم در میان نبود، تغییر شرایط می‌توانست مشکل ایجاد کند. بنابراین راه حل ساده و منطقی این بود که هر دو تصمیم به یک جلسه واگذار شود و هم‌زمان اتخاذ شود. کشور قطر در اجلاس سپتامبر بر خلاف تعهدی که ذکر شد از کاندیدای روسیه حمایت کرد..

در هر حال بدین ترتیب دو کشور قطر و روسیه فعلاً به قدرتهای اصلی مجمع کشورهای صادرکننده گاز تبدیل شده‌اند..

البته باید گفت که کشورهای روسیه و قطر دو کشور محوری در بازار جهانی گاز تلقی می‌شوند. روسیه در صادرات گاز از طریق خطلوله از رتبه اول برخوردار است و قطر در صادرات گاز از طریق LNG. و اینک این دو کشور که هم به لحاظ ژئوپلیتیکی و هم به

لحاظ سرمایه‌گذاری‌ها و رتبه خود در بازار جهانی گاز، از موقعیت ممتازی برخوردار بوده‌اند، جایگاه محوری و ممتازی را در یک سازمان بین‌المللی گازی، از آن خود کرده‌اند که بالقوه می‌تواند بر قدرت تأثیرگذاری آن‌ها در این عرصه بیفزاید و رقابت دیگران با آنها را دشوارتر نماید. این درحالی‌است که خود این دو کشور با توجه به محور بودن در دو بازار متفاوت گاز، از زمینه‌هایی برای همکاری با یکدیگر برخوردارند.

کشور ایران با توجه به حجم ذخایر گازی و موقعیت جغرافیایی ممتاز خود، هم رقیب بالقوه روسیه و هم رقیب بالقوه قطر تلقی می‌شود و از نظر تولید نیز رقیب بالفعل قطر است. سرعت بخشیدن به سرمایه‌گذاری و تولید و کنترل مصرف داخلی در کشور، می‌تواند این رقابت را به فعلیت برساند. یک استراتژی فعال در زمینه نحوه رقابت و یا همکاری، می‌تواند از درون یک استراتژی و یک برنامه بلندمدت منطقی برای گاز کشور، استخراج شود و اینک که به هر حال، مجمع وارد عرصه جدیدی از فعالیت خود شده است، نیز نحوه تعامل با آن باید بر همان مبنا باشد، و لذا کماکان نیاز به برنامه و استراتژی وجود دارد.

کشورها در حضور و فعالیت خود در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی، منافع ملی خود را جستجو می‌کنند و اگر وجود یک نهاد بین‌المللی و تقویت و ارتقای آن، منافع ایشان را افزایش دهد به تقویت آن می‌پردازند و در غیر این صورت ممکن است حتی تضعیف آن را در دستور کار خود قرار دهند. برای موفقیت ایده‌پردازی و ابتکار عمل هر چند البته مهم است، اما کافی نیست. موفقیت در تعاملات بین‌المللی، از یکسو نیازمند برنامه و استراتژی است که طی آن باید زمان مناسب ورود به تعاملات نیز روشن باشد، و از سوی دیگر مستلزم هماهنگی اقدامات بین‌المللی و اقدامات اجرایی در بخش‌های مختلف است. همچنین موفقیت در سازمان‌های تخصصی بین‌المللی مستلزم همکاری نظام‌یافته میان دستگاه دیپلماسی و دستگاه تخصصی مربوطه است. بدون چنین سازوکارهایی این نگرانی وجود دارد که دستاورد تعاملات بین‌المللی در جهت خلاف منافع ملی باشد و در واقع نقض غرض گردد.

بر مبنای آنچه که ذکر شد، برای آن که ادامه حضور و تلاش ایران در مجمع جهانی گاز بسیار حساب شده و در چارچوب منافع ملی باشد، نکات زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱- با شکل‌گیری تعامل نهادی میان دستگاه نفت و دستگاه دیپلماسی و سایر دستگاه‌های ذیربط و پیگیری‌های مستمر و برنامه‌ریزی شده، تلاش شود که جمهوری اسلامی ایران در آینده بتواند حضور فعال‌تری را در مناسبات این مجمع داشته باشد.

۲- تلاش شود که ایرانی‌ها در سمت‌های دبیرخانه سازمان پست‌های بیشتری را اشغال کنند و از امکانات و اطلاعات و مطالعات دبیرخانه بیشترین بهره را ببرند.

۳- فعالیت مجمع به حوزه‌هایی هدایت شود که برای ایران مفیدتر است. به‌عنوان مثال ایران هرچند هنوز گاز قابل توجهی برای صادر کردن و ورود به بازارهای جدید گاز ندارد، اما از موقعیت ممتازی برای ترانزیت و سوآپ گاز برخوردار است که استفاده از این موقعیت می‌تواند از طریق یک مجمع بین‌المللی تسهیل شود و منافی را برای کشور ایجاد کند.

۴- در دادوستدهای بین‌المللی، مانند هر دادوستدی، این احتمال نگران‌کننده وجود دارد که یک طرف معامله در ازای امتیازهایی که به طرف دیگر می‌دهد، امتیازی درخور از طرف مقابل نگیرد. در دادوستدهای بزرگ، که چند دستگاه در آن درگیر باشند، برای احتراز از چنین وضعی لازم است که میان آن دستگاه‌ها هماهنگی‌ها و تعاملی وجود داشته باشد، تا یک طرف متاع خود را ارزان یا رایگان به طرف دیگر نسپارد. ممکن است یک فرصت معامله برای یک دستگاه مانند نفت فراهم شود که مثلاً در مقابل متاعی که می‌فروشد تقاضایی از خریدار نداشته باشد، بنابراین اگر تعامل میان دستگاه‌ها وجود نداشته باشد ممکن است این دستگاه مجبور شود که متاع خود را ارزان فروخته و یا به رایگان بدهد. بنابراین در دادوستدهای بین‌المللی تعامل قوی میان دستگاه‌ها بسیار مهم است. در موضوع مورد بحث، یعنی همکاری بین ایران و سایر کشورهای عضو سازمان گاز، نیز اگر چنین هماهنگی‌ها و تعاملی برقرار بود، ممکن بود در مقابل امتیازاتی که برای روسیه و قطر بوجود آمده است، امتیازاتی در سایر حوزه‌ها گرفته شود.